

: () () «

در طرح پیشنهادی نمایندگان محترم، حذف مواد (۷۶) و (۷۷) قانون برنامه چهارم توسعه درخواست شده است. دلایل آن‌ها درخصوص این پیشنهاد، «توجه به اصل تمرکززدایی و هویت بخشیدن به بخش‌ها و شهرها و شهرستان‌های کشور و ضرورت توجه به اصل (۴۸) قانون اساسی و برقراری عدالت در توزیع اعتبارات» اعلام شده است.

به طور کلی هدف ماده (۷۶) قانون برنامه چهارم توسعه ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی در آن دسته از اهداف و مضامین برنامه چهارم است که تحقق آن‌ها مستلزم مشارکت چند بخش یا چند استان می‌باشد از طریق تهیه () همچنین هدف ماده (۷۷) این قانون هماهنگی در امور عمرانی و توسعه بین استانی از طریق منطقه‌بندی کشور از دیدگاه آمایش سرزمین ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده و تعیین وظایف آن‌ها در سطح فرااستانی است. موارد مزبور مربوط به فصل آمایش سرزمین است و به وسیله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که بیش‌ترین سهم را در تمرکززدایی و ایجاد ارکان غیرمتمرکز (شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه، خزانه معین و...) داشته پیشنهاد شده است و قطعاً قصد آنان از مواد (۷۶) و (۷۷) کاستن از قدرت استان‌ها یا ایجاد تبعیض در توزیع امکانات نبوده است.

کلیه عملیات اجرایی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری در سال‌های برنامه چهارم توسعه براساس () سازماندهی و اجرا خواهد شد.

این اسناد (به خصوص اسناد ویژه فرابخشی) مجموعه‌ای از چند طرح و فعالیت با پوشش فراگیر برای مناطق و بخش‌های مختلف بوده و بعضاً تحقق برخی از اهداف پیش‌بینی شده مستلزم مشارکت چند بخش و چند استان می‌باشد. به عنوان مثال طرح ایجاد مدیریت یکپارچه برای حفاظت از سواحل دریای خزر باید هم‌زمان در سه استان گیلان، مازندران و گلستان اجرا شود. بنابراین برای مطالعه، برنامه‌ریزی و مدیریت سواحل ناگزیر باید منطقه‌ای شامل تمام یا قسمتی از این سه استان تعریف شده و واحد هماهنگ‌کننده‌ای تعیین شود. لذا ماده (۷۶) در حقیقت بر چگونگی اجرای این اسناد در دستگاه‌های اجرایی، بخش و استان اشاره دارد و بی‌شک حذف این ماده در سامان اجرایی برخی اسناد مشکل اساسی ایجاد خواهد کرد.

ایده‌هایی از این دست در کشورهای دیگر با عنوان میان - منطقه^۱ معمول شده و تصادفاً در

1. Inter- Region

راستای تمرکززدایی مورد تأکید قرار گرفته است. زیرا گزینه دیگر، اجرای طرح‌هایی از این دست به وسیله دولت مرکزی است. تعریف مناطق به‌ویژه با مشارکت استان‌ها اجرای این‌گونه طرح‌ها را از انحصار دولت مرکزی خارج می‌کند.

. نکته شایان توجه این‌که علی‌الاصول این مناطق یا موقتی هستند و یا چندگانه. برای مثال ممکن است استان گیلان در مدیریت سواحل با دو استان ساحلی شمال تشکیل یک منطقه را بدهد و برای منابع آب با استان زنجان و بخشی از اردبیل تشکیل یک منطقه دیگر که بعد از اجرای برخی از طرح‌ها موضوع منطقه منتفی شود.

. حتی در برنامه‌های تمرکززدایی کشورهای پیشرفته اجرای طرح‌ها با همکاری چند استان (و در درجات پایین‌تر به وسیله چند شهرستان، چند بخش و چند شهر) آسان نبوده و برای ایجاد همکاری، دولت‌های مرکزی مجبور به دخالت شده‌اند. برای نمونه در برخی از کشورهای، دولت مرکزی درصدی از هزینه‌ها را متقبل شده است که حسب مورد چند استان، چند شهرستان و ... با یکدیگر همکاری کنند. تجربه‌های اخیر در ایران هم نشان می‌دهد که تمایل غالب تقسیمات کشوری بیش‌تر در جهت رقابت با یکدیگر است و نه همکاری و برای ایجاد فرهنگ همکاری دولت مرکزی باید انگیزش‌های مناسب را طراحی کند.

. در حال حاضر یکی از مشکلات جدی تدوین برنامه‌های توسعه و اجرای آن‌ها در سطوح منطقه‌ای عدم انطباق نظام تقسیمات کشور کنونی با ویژگی‌ها و خصوصیات منطقه‌ای است. به طور مثال حوزه زاگرس میانی به دلیل هم پیوندی‌های محیطی و جغرافیایی، فضای همگنی را ایجاد نموده است که پیشبرد فرایند توسعه آن، مستلزم اعمال مدیریتی واحد یا حداقل برقراری هماهنگی‌های لازم در مدیریت توسعه این منطقه است و اعمال چنین مدیریتی را در قالب تقسیمات سیاسی کنونی که این منطقه را به چند استان با مدیریت‌های جداگانه تقسیم نموده، تقریباً غیرممکن می‌سازد.

. تنوع گسترده کشور به لحاظ اقلیمی، تفاوت‌های ساختار اقتصادی مناطق، استقرار سهم عمده‌ای از فعالیت‌های تولیدی و جایگزینی اکثر جمعیت در مناطق برخوردار از قابلیت‌های طبیعی، ضعف تقسیم کار تخصصی میان مناطق مختلف کشور و عدم تطابق پاره‌ای از فعالیت‌ها در برخی از مناطق با استعدادهای موجود آن‌ها، حاشیه‌ای شدن بخش وسیعی از سرزمین و انزوای این مناطق، فقدان پیوندهای ارگانیک میان مراکز اصلی و کانون‌های پراکنده توسعه و ضعف شبکه‌های زیربنایی از عمده‌ترین دلایل به وجود آمدن عدم تعادل‌های منطقه‌ای بوده است.

. منطقه‌بندی و هماهنگی بین استانی در زمینه تصمیم‌گیری و استفاده از منابع و قابلیت‌های مشترک در امور عمرانی و توسعه‌ای و با توجه به دیدگاه‌های آمایشی از الزامات مهم برنامه برای رسیدن به هدف تعادل و توازن منطقه‌ای کشور (به عنوان یکی از محورهای ۱۲ گانه برنامه چهارم) می‌باشد.

با توجه به نقش آمایش سرزمین در توسعه کشور و این نکته که آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای به عنوان یکی از محورهای ۱۲ گانه برنامه چهارم در قالب مواد (۷۲) تا (۸۳) مدنظر قرار گرفته است حذف مواد (۷۶) و (۷۷) می‌تواند سیاستگذاری‌های این بخش را ناکارآمد سازد.